

بسمه تعالی

نقش مسجد در توسعه‌ی محله‌ای

دکتر بابک نگهداری

چکیده

یکی از مهم‌ترین رویکردهای توسعه توجّه به سرمایه‌های اجتماعی، تقویت شاخص‌های کمی و کیفی و به‌کارگیری آن در توسعه‌ی کشور است. این رویکرد نه تنها قابلیت زمینه‌سازی جهت رشد و گسترش سرمایه‌های اجتماعی دارد، بلکه معتقد است تقویت سرمایه‌های اجتماعی نقشی مهم و حیاتی در ابعاد مختلف توسعه‌ی جامعه دارد و نگاه تقلیل‌گرایانه و صرف‌را به معیارها و جنبه‌هایی از رشد کاهش می‌دهد و همچنین زمینه‌ساز توسعه‌ای فراگیر، متوازن و پایدار می‌شود. چنین رویکردی ضمن توجّه به محیط پرشتاب و متلاطم اطراف، زیرساخت‌ها و زیربنای فکری و فرهنگی خود را بازشناسی و اساس توسعه را بر پایه‌ی بنیان معرفتی و نظام فکری خود پی‌ریزی می‌کند و ضمن استفاده از تجارب سایر جوامع، از نگاه کلیشه‌ای، اقتباسی و تقلیل‌گرایانه اجتناب می‌کند. عنصر دین، به‌ویژه دین اسلام، و مسجد مهم‌ترین سرمایه‌های اجتماعی هستند و همواره نقشی تعیین‌کننده در توسعه‌ی جوامع داشته‌اند. در حال حاضر، به دلیل اینکه مردم مزیت‌های فرهنگی، مذهبی، اعتقادی و تاریخی خود را فراموش کرده‌اند، برای مشارکت در توسعه دست خود را تهی می‌بینند. در صورتی که اگر آن‌ها به ظرفیت‌ها و استعدادها بالقوه و متنوع تاریخی، مذهبی و فرهنگی خود پی ببرند، می‌توانند در توسعه نقشی بزرگ ایفا کنند. مطالعه‌ی حاضر پژوهشی توصیفی است و در آن، علاوه بر مطالعه‌ی اسناد، مدارک و منابع کتابخانه‌ای، از شیوه‌ی مصاحبه با اساتید حوزه و دانشگاه نیز استفاده شده است.

واژگان کلیدی: سرمایه‌های اجتماعی، توسعه‌ی فراگیر، توسعه‌ی محلی، توسعه‌ی درون‌زای

برونگر، توسعه‌نیافتگی، تنوع فرهنگی.

رابطه‌ی دین و نهادهای اجتماعی

در قرن‌های گذشته، جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان انسان را هموارکتوس (انسان مستوی‌القامه)، هوموفابریگوس (انسان ابزارساز) و هوموپولیتیکوس (انسان سیاست‌ورز) نامیده‌اند. این در حالی است که امروزه انسان را

هومورلیجیوسوس (انسان دین ورز) نیز می نامند؛ زیرا طبق جدیدترین پژوهش های جامعه شناسختی - چه در آفریقای جنوبی و مکزیک (که توسعه نیافته اند) و چه در آمریکا (که پیشرفته ترین جامعه ی بشری از نظر فرهنگ مادی است) - بیش از ۹۵ درصد انسان ها به وجود خداوند ایمان دارند. واقعیت حاضر، این نظریه را ابطال می کند که مدعی بود پیشرفت و توسعه ی اجتماعی و افزایش رفاه مادی باعث انحطاط دین و اندیشه ی دینی می شود.

دین کهن ترین، نافذترین و اثرگذارترین نهاد اجتماعی بشر است. شاید فقط بتوان نقش پدیده ی علم را در حد دین دانست و آن را در نهادسازی و جامعه سازی هم ارز دین برشمرد؛ البته با این توجه که دین به علم و توسعه ی علمی بشر مدد رسانده است. از این رو، هرگاه بشر اندیشه ورز با انگیزه ی اصلاح در محیط اجتماعی خویش تأمل کرده است، با دین مواجه شده است. یعنی، سابقه ی اندیشه های اجتماعی در خصوص دین به قدمت اندیشه ورزی های اجتماعی بشر است. هنگامی که افلاطون طرح اتوپای خویش را از جامعه ای ایده آل ارائه می داد، ارسطو از سهم ارزش های اخلاقی در حیات اجتماعی سخن می گفت، آگوستین در کتاب شهر خدا تصویری آرمانی از نظام دنیوی همسان با نظم ازلی عرضه می کرد، فارابی انواع مدینه ی فاضله و رذیله را براساس میزان پایبندی مردمانش به تعالیم الهی معرفی می کرد، ابن خلدون نقش دین و قبیله را در فراز و فرود حکومت ها تحلیل می کرد، جان کانون تلاش می کرد الگویی از جامعه ی مسیحی مورد نظر خود بیان کند، از نقش دین سخن گفته اند. به طور کلی هر زمان فیلسوف یا متکلمی درباره ی اجتماع یا آرمان اجتماعی سخن گفته، درواقع درباره ی نقش و حضور اجتماعی دین سخن گفته است.

از آنجا که دین اسلام برای سعادت انسان آمده است، بر هر دو افق فردی و اجتماعی سایه افکنده است. دین اسلام به امور اجتماعی بیشتر از امور فردی اهمیت داده است؛ زیرا در تفکر اسلامی، حیثیت اجتماعی قوی تر از حیثیت فردی است. حتی در استنباط احکام اسلامی، مصلحت عام به امور فردی ترجیح داده می شود؛ برای مثال در دو اثر گرانبهای علامه طباطبائی (جامعه و تاریخ، المیزان) این موضوع دیده می شود. اهمیت موضوع دین در جامعه، نه فی نفسه، بلکه به تبع تأثیرهایی است که بر حیات اجتماعی گذاشته یا از آن پذیرفته است. هنجارها و رفتارهای دینی افراد، در سطح خرد، حیات اجتماعی جامعه، در سطح کلان، را متأثر می کند.

توسعه و رابطه ی آن با زندگی اجتماعی

سابقه ی مبحث توسعه به عنوان موضوعی مشخص به پس از جنگ جهانی دوم باز می گردد. در این دوره، عمدتاً دو گونه نظریه درباره ی توسعه، تحت عنوان توسعه ی اقتصادی و نوسازی، ظاهر می شود. طرفداران نظریه ی

نخست عمده‌تاً از مفاهیم علم اقتصاد و طرفداران نظریه‌ی نوسازی از مفاهیم جامعه‌شناسی سود می‌جویند. بعدها، چارچوب توسعه‌ی اقتصادی بیشتر به مفهومی کیفی و جامعه‌شناختی تغییر یافت. با این تغییر دیدگاه که توسعه‌ی اقتصادی به واقعیتی با ابعاد اجتماعی، فرهنگی و سیاسی تبدیل شد، مبحث توسعه موضوع تحلیل جامعه‌شناختی (آن هم جامعه‌شناسی کلان که مدعی شناخت واقعیت‌های اجتماعی در قالب نظام و به‌عنوان یک کل است) قرار گرفت. از این رو، مکتب نوسازی شکل گرفت و توسعه با استفاده از مفاهیم جامعه‌شناسی و کار پیشگامان جامعه‌شناسی (مانند دورکیم، وبر، مارکس، تونیس که وارث سنت بررسی جوامع کلان بودند و مکتب‌های شکل گرفته براساس کارهای آنان از جمله مکتب کارکردی - ساختی) بررسی شد. به تدریج، شاخص‌های غیراقتصادی توسعه تدوین گردید. در ابتدا محققان بر این باور بودند که توسعه، تنها در گستره‌ی واحد اجتماعی کلانی به نام دولت - ملت یا جامعه محقق است، اما با گذشت زمان این مسئله آشکار گردید که توسعه نوعی تغییر تاریخی است که در محدوده‌ی کلیه‌ی واحدهای اجتماعی (اعم از دولت، ملت، جامعه، شهر و محله) رخ می‌دهد. از آن پس، مفهوم توسعه با ارجاع به زندگی اجتماعی تعریف می‌گردد. توسعه (نوسازی) به‌عنوان روند شناخته می‌شود، روندی تجمعی که نتیجه‌ی تعامل مجموعه‌ای از عوامل است. روند توسعه با شکل‌گیری ساختار مشخص و بازتولید آن ملازمه دارد. از این رو، مستلزم نوعی تغییر اجتماعی است، یعنی تغییری در ساختار جامعه.

رویکردهای توسعه

مهم‌ترین رویکرد توسعه، توجه به سرمایه‌های اجتماعی و تقویت شاخص‌های کمی و کیفی و به‌کارگیری آن در توسعه کشور است. این رویکرد نه تنها از قابلیت زمینه‌سازی جهت رشد و گسترش سرمایه‌های اجتماعی برخوردار است که معتقد است تقویت سرمایه‌های اجتماعی نقشی مهم در ابعاد مختلف توسعه‌ی کشور دارند. این رویکرد ضمن توجه به محیط در حال تغییر، زیرساخت‌ها و زیربناهای فکری و فرهنگی خود را نیز بررسی می‌کند و اساس توسعه را بر پایه‌ی بنیان معرفتی و نظام فکری خود پی می‌ریزد. عنصر دین، به‌ویژه دین اسلام و تجلی‌گاه آن که همانا مساجد است، از جمله مهم‌ترین سرمایه‌های اجتماعی محسوب می‌گردند که همواره نقشی تعیین‌کننده در توسعه و تحولات اجتماعی دارند.

مساجد و هویت توسعه‌ی شهرهای اسلامی

مسجد در اسلام تنها معبد نیست، زیرا اساساً عبادت در اسلام به دعا و نیایش منحصر نمی‌شود. عبادت هر عمل و حقی است که آدمی برای خلق و در واقع برای خدا انجام می‌دهد. به بیانی دیگر مسجد در اسلام کانون عبادت

است، اما عبادتی که دامنه‌ی تعریف و توسعه آن، به زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مسلمانان می‌رسد. براساس همین گستردگی مفهوم عبادت در اسلام است که مسجد پیامبر برای کارکردی چندگانه اختصاص یافت. نکته‌ی ظریف و پر معنایی که تنها در شناسنامه‌ی مسجد نهفته است و دیگر معابد، فاقد آن شاخص مهم‌اند، پیوند دیانت و سیاست در تاروپود و در ساختار مسجد است. تولد مسجد با ظهور و طلوع خورشید حکومت اسلامی آمیخته است و نظام مهندسی آن از تعالیم عالی و مفاهیم هدفدار اسلامی سرچشمه می‌گیرد. بقاء و دوام فرهنگ دینی، علاوه بر نیاز به قوانین متقن و وحیانی، همواره به فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی نیاز دارد، لذا اسلام مسجد را پایه‌گذاری می‌نماید؛ به طوری که در طول تاریخ اسلام، شاهد فعالیت‌ها و تأثیرگذاری آن در حرکت‌های اسلامی خواهیم بود. هویت شهرهای اسلامی با بنای مساجد شکل می‌گیرد که بلندای گنبدها و مناره‌ها و آوای دلنشین اذان آن‌ها شاخص متمایز آن‌ها در قیاس با دیگر شهرهای غیر اسلامی است. مسجد در کلام دل‌نواز پیشوایان مکتب اسلام تحت عناوین زیبایی آمده است و مسلمانان همواره به ساخت آن در هر شهر و دیاری تشویق شده‌اند.

تاریخ نشان می‌دهد که عملیات ساختمانی شهرهای نوساز، ابتدا با ساختمان مساجد آغاز می‌گردید و شهرهایی که به دست سپاه اسلام گشوده می‌شد و مسلمانان در آن مستقر می‌گردیدند، اولین اقدامشان بنای مسجد و آموزشگاه بود و اغلب از بنایی قدیمی مرکز شهر برای ایجاد مساجد استفاده می‌کردند. به طور کلی شهرهای اسلامی از نظر حقوقی، در آغاز، یک ویژگی مهم داشتند و آن اینکه مسجد جامع و منبر وجه تمایز آن‌ها با روستا بود. طی قرون اولیه، در هر شهری تنها یک مسجد جامع وجود داشت که نماز جمعه در آن به جا آورده می‌شد، اما به تدریج با افزایش شهرنشینان، شهرهای بزرگ دارای چند مسجد جامع شدند. مسجد جامع در شهرهای اسلامی همواره در قلب و مرکز شهر جای داشت و موقعیت و جایگاه مسجد جامع در مرکز شهر و اهمیت آن، اساس طراحی شهری به شمار می‌رفت. اولین نقطه‌ای که طراحی می‌شد، مسجد جامع شهرها بود و براساس آن محله‌های شهری را طراحی می‌کردند.

نقش مراکز مذهبی و مساجد در نیل به توسعه

پیش از پیشرفت‌های صنعتی و عصر الکترونیک، گفتگو مهم‌ترین وسیله‌ی تفاهم و ایجاد ارتباط میان مردم بود. چون عامه مردم بیشتر از طریق گفتار و نه نوشتار اقناع می‌شدند، به مجامع عمومی چون مراکز مذهبی و مساجد می‌آمدند و به سخنان خطیبان گوش فرا می‌دادند. در جوامع کنونی نیز کرسی سخنرانی و منابر هم‌چنان اهمیت

به‌سزایی دارد. سخنوران توانا و چیره‌دست، با سخنان مهیج خود، گاه گروهی از مردم را به انجام کارهایی سخت نظیر گذشتن از جان و مال و فرزند فرا می‌خوانند.^۱

در شالوده نظام اسلامی، مسجد محور فعالیت‌های تبلیغی و مهم‌ترین وسیله‌ی ارتباط جمعی مسلمانان است. در جوامع اسلامی، مساجد در تمامی جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان حضور فعال دارند. مسلمانان که برای انجام فرایض دینی هر روز به مساجد رفت‌وآمد می‌کنند، ضمن ادای فریضه نماز، با قرار گرفتن در این اجتماع در خلال صحبت با یکدیگر از اخبار جامعه نیز با خبر می‌شوند و در جریان مسایل روز قرار می‌گیرند. همچنین، وجود منبر نیز نقشی مهم در نشر افکار ایفا می‌کند. هر چند ممکن است چنین تلقی گردد که با وجود وسایل ارتباط جمعی پیشرفته امروزی، این نقش مساجد اهمیت قبلی خود را ندارد، اما به‌دلیل پراکندگی مساجد در جوامع اسلامی و گسترش آن‌ها در تمامی نقاط شهری و محلات از یک سو و حرمت و قداست و معنویت خاص آن در نزد مسلمانان از سوی دیگر، این مراکز نقشی مهم و غیرقابل انکاری در جامعه دارند. در ایران منبر و خطابه همواره از برترین وسایل ارتباط جمعی محسوب می‌شود. هنوز رادیو، تلویزیون و صدها وسیله‌ی ارتباط جمعی دیگر نتوانسته‌اند جای منابر را پر کنند و گاهی خود این ابزار نیز در اختیار خطیبان در می‌آیند.

با این حال، اخیراً مقوله‌ی شکاف دیجیتالی میان کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای در حال توسعه، بسیار مورد توجه محافل گوناگون فکری قرار گرفته است. واقعیت امر این است که کشورهای توسعه‌یافته با دسترسی به سرمایه‌ی کافی و فناوری‌های جدید ارتباطی سهمی قابل توجه از بازار فناوری‌ها را به خود اختصاص داده‌اند و در مقابل کشورهای عقب‌مانده همچنان گرفتار بحث‌های اولیه و در برخی مواقع فقر مادی هستند. در این مقاله می‌خواهیم بدانیم که با چه برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌هایی می‌توان این شکاف دیجیتالی را کاهش داد. در ابتدا پرداختن به این موضوع ضروری است که فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات تنها شامل اینترنت نیست، بلکه پخش مستقیم برنامه‌های تلویزیونی - ماهواره‌ای و دیگر امکانات دیجیتالی را نیز در بر می‌گیرد. همچنین، در خصوص توسعه‌ی آموزش در جامعه و در دسترس قرار دادن فناوری‌های جدید ارتباطی - اطلاعاتی، باید اذعان داشت که این مشکل تنها مشکل کشور ایران نیست و حتی در کشورهای بسیار پیشرفته نیز مشهود است.

^۱ . مینایی، علی اکبر، منبر و خطابه در صدر اسلام: مسجد ۶، ص ۲۸.

اصولاً انسان‌ها از سنی خاص تمایل چندانی به یادگیری مطالب و عناوین جدید ندارند. از این رو، فاصله و شکافی میان نسل‌ها ایجاد می‌گردد، یعنی نسلی که با همه‌ی کارهایش با کامپیوتر است و نسل دیگری که حتی ممکن است هیچ چیزی در این باره نداند. به‌طور کلی، می‌توان گفت که برای دست‌یافتن به توسعه، برخورداری صرف از سخت‌افزارهایی نظیر اینترنت کافی نیست. این قبیل ابزارها زمانی می‌توانند مؤثر باشند که در جامعه عقلائیت توسعه‌یافته حاکم باشد. خودباوری یکی از ابزارهای کلیدی توسعه، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، محسوب می‌گردد. به عبارت دیگر، هر جامعه‌ای که عزت‌نفس خود را از دست دهد، اگر از تمامی امکانات اقتصادی نیز برخوردار باشد، به توسعه دست نمی‌یابد.

از این رو، در کشورهای اسلامی، از جمله ایران، مساجد می‌توانند در ساعت‌های غیرعبادی عملاً برای فرهنگ‌سازی در این باره اقدام کنند. از آنجا که اقشار مختلفی به مسجد می‌آیند، می‌توان با برنامه‌ریزی دقیق هم برای کم کردن فاصله‌ی بین نسل‌ها و برای فرهنگ‌سازی اجتماعی برنامه‌های سودمندی اجرا کرد. برای مثال:

۱- راه‌اندازی ایستگاه مطبوعات در مساجد. با راه‌اندازی چنین ایستگاه‌هایی در مساجد محله‌های شهری، اقشار مختلف جامعه برای کسب اطلاعات و اخبار (در زمینه‌های گوناگون فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، خانوادگی، بهداشتی، ورزشی، مذهبی، هنری و...) به مساجد روی می‌آورند.

۳- آموزش و خدمات رایانه‌ای در مساجد. مساجد می‌توانند با بهره‌گیری از رایانه‌ها، خدمات فرهنگی، آموزشی، مذهبی، هنری و اجتماعی و... را در اختیار مردم قرار دهند.

۵- نمایش فیلم‌های آموزشی در مساجد.

۷- راه‌اندازی حداقل یک خط اینترنت در هر مسجد محله.

در خصوص مزایای استفاده از ابزارهای فناوری اطلاعات و ارتباطات در مساجد محله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱- جذب اقشار مختلف جامعه، به‌ویژه قشر تحصیل‌کرده، و قرار گرفتن آنان در کنار کودکان، نوجوانان، جوانان و افراد بزرگسال که نهایتاً به ایجاد پل ارتباطی میان اجتماع و مساجد منتهی می‌گردد.

۲- غنی‌سازی اوقات فراغت اقشار مختلف جامعه، در چارچوب ارزش‌های دینی، در راستای افزایش آگاهی.

۳- افزایش انگیزه‌های حضور مردم در مساجد در راستای برطرف کردن مسایل و مشکلات اجتماعی،

فرهنگی، سیاسی، بهداشتی، مذهبی، اخلاقی و... موجود در محلات شهری.

۴- برقراری امکان حضور فرهیختگان، اساتید، محققان و دانشجویان در مساجد محلی در راستای ارتقای سطح فرهنگ دینی و توسعه‌ی محله.

۵- آشنایی با کارکردهای مساجد کشورهای اسلامی در راستای اداره‌ی بهتر امور محله و نیل به توسعه‌ی محله‌ای.

۶- ایجاد فرهنگ گفت‌وگو و تبادل اطلاعات فرهنگی، مذهبی، علمی و... در مساجد محلی که خود موجب تقویت کلان فرهنگ دینی می‌شود.

مساجد، محوریت ایجاد و توسعه‌ی شهری و محله‌ای

افزایش جمعیت و توسعه‌ی شهرهای بزرگ و بالطبع پدید آمدن شهرهای تازه تأسیس و محلات جدید، سبب شد که مردم اطراف از مسجد جامع دور شوند و لذا مساجد نو بسازند. از جمله مهم‌ترین فاکتورهایی که سبب افزایش تعداد مساجد شد (که این نیز خود در وهله‌ی اول به توسعه‌ی محله‌ای و ثانیاً توسعه‌ی شهری و ازدیاد جمعیت منجر گردید) این موارد است:

۱ - فضیلت وقف و باقیات‌الصالحات در فرهنگ اسلامی

در برداشت عمومی باقیات‌الصالحات به آن دسته از اعمال نیکویی اطلاق می‌گردد که اثر فیزیکی و اجتماعی طولانی مدت دارند. براساس چنین تلقی‌ای است که باقیات‌الصالحات بیشتر در امور عمرانی و فرهنگی به‌ویژه در احداث مساجد تجلی می‌یابد.

۲ - عدم پیش‌بینی فضای توسعه در بنای مسجد

گاه کمبود امکانات مادی و محدودیت مکانی و گاه عدم آینده‌نگری سبب می‌شد که مساجد در مساحت‌های کوچک‌تری احداث گردند. بعدها که مسلمانان، در اثر افزایش جمعیت، به مساجد بزرگ‌تر نیاز داشتند، به علت عدم امکان توسعه‌ی مساجد قبل، در زمینی بزرگ‌تر، مسجدی بزرگ‌تر می‌ساختند.

۳ - روحیه راحت‌طلبی

خصیصه‌ی راحت‌طلبی انسان همواره با انسان است و وی را به عبادت در نزدیک‌ترین معابد و مساجد ترغیب می‌کند؛ لذا ایجاد مسجد در نزدیک‌ترین محل سکونت در برنامه‌های اجتماعی شهری قرار گرفت. از این طریق، با احداث مساجد متعدد در محلات مختلف، محله‌ها نیز توسعه یافتند.

۴- اختلافات قومی و منطقه‌ای

زندگی اقوام مختلف در شهرها، که اغلب در انجام اعمال عبادی دارای روش‌های مختلفی نیز بودند، باعث شد که مردمان هر قوم مسجدی جداگانه برای خود بسازند تا برحسب اعتقادات و سنت‌های خود، مراسم‌های عبادی را برگزار کنند.

آسیب‌شناسی عدم توزیع مناسب مساجد در شهرها و محلات

عدم رعایت اصول مسلم شهرسازی در گذشته، به‌ویژه در بنای مساجد، بار منفی فرهنگی و اجتماعی خود را امروزه به‌روشنی آشکار می‌سازد؛ به نحوی که، گاه در محلی از محلات شهری مساجد زیادی داریم و در محله‌ای دیگر اصلاً مسجد نداریم. شهر بزرگ تهران خود نمونه‌ی بارز چنین وضعیت اسفباری است. تعداد کثیر مساجد در محلات قدیمی و جنوب شهر و نبود یا کمبود مساجد در محلات جدید و شمال شهر کاملاً مشهود است. پی‌آمد چنین وضعیتی تفاوت آشکاری است که میان محلات گوناگون شهر تهران وجود دارد: هرچه به سمت محلات قدیمی‌تر پیش می‌رویم، محلات از غنای فرهنگی، اجتماعی و اسلامی بیشتری برخوردارند و درمقابل هرچه از محلات جدید گذر می‌کنیم، با فقر فرهنگی، اجتماعی و اسلامی و قرابت با فرهنگ بیگانه مواجه می‌شویم. راه‌حل این است که الگوی توسعه‌ی شهری، به‌ویژه توسعه‌ی محله‌ای، را در دستور کار قرار دهیم. در این راستا، باید در گذشته‌ی تاریخی و مذهبی خود پژوهش کنیم و با توجه به ویژگی‌های ساختاری هر محله، آن‌ها را بومی کنیم توسعه‌ای مبتنی بر مزیت‌های تاریخی، فرهنگی و مذهبی بنا نهیم.

نتیجه‌گیری

انسان‌های برای رفع نیازهای اولیه و مشترک زیستی خود در مناطق جغرافیایی و اقلیمی متفاوت دست به اقدامات متنوعی زده‌اند که باعث ایجاد نیازهای ثانویه متنوعی گردیده است. این نیازهای ثانویه، در برخی مواقع، اهمیتی فراتر از نیازهای اولیه به خود گرفته است. تلاش‌های متنوع و ابداعی بشر برای تأمین نیازهای اولیه، در سرزمین‌های مختلف، سرمنشأ ایجاد تنوع فرهنگی گردیده است. از این رو، شناخت تنوع فرهنگی درحقیقت شناخت ابداع و ابتکارات بشر است که ما از آن با عنوان مزیت‌های تاریخی، فرهنگی و مذهبی یاد می‌کنیم. اگر این سرمایه‌ی غنی انسانی به‌خوبی شناخته و به‌کار گرفته شود، رشد و توسعه‌ی بشری به‌دنبال خواهد آمد. متأسفانه، در یک‌ونیم قرن گذشته، از این موضوع غفلت شده است و به‌لحاظ تقلید از فرهنگ مدرن غربی، مردم جوامع مختلف سرمایه‌های اصلی خود فراموش کرده‌اند. باید نهضتی راه‌انداخت مردم را به اصل خود

بازگرداند و داشته‌های آنان را به ایشان یادآوری کرد. اکنون، چون مردم مزیت‌های تاریخی، فرهنگی و مذهبی خود را فراموش کرده‌اند، برای توسعه دست خود را تهی می‌بینند. اگر آن‌ها از ظرفیت‌ها و استعداد‌های متنوع تاریخی، فرهنگی و مذهبی خود آگاه شوند، نقشی مهم و مثبت در آینده‌ی فرهنگی خود ایفا خواهند نمود و مساجد کلید این آگاهی فرهنگی در جامعه‌ی اسلامی هستند.

منابع

- ۱- مینایی، علی اکبر، منبر و خطابه در صدر اسلام، مسجد ۶، ص ۲۸.
- ۲- نقش مسجد در توسعه، چهارم شهریور ۱۳۸۳، سال ۶۲، شماره ۱۸۰۲۹.
- ۳- اعتضادی، لادن، توسعه در پرتو توحید.
- ۴- میرخانی، عباس، مساجد و توسعه اجتماعی در ایران.
- ۵- آریان منش، جواد، نقش مساجد در توسعه شئون اجتماعی.

منبع: مرکز رسیدگی به امور مساجد